

# گوشه‌ای از رویدادهای کوبا در خلال ۵۵ سال گذشته

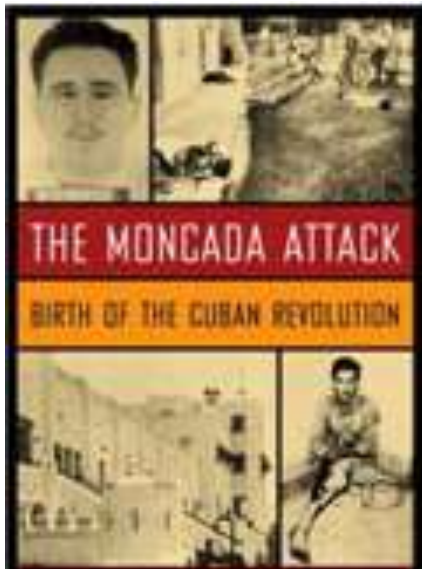
## تهیه و تنظیم: نادر ثانی

[www.nadersani.net](http://www.nadersani.net)

۱۹۵۳: یک سال پس از کودتای نظامی و به قدرت رسیدن مجدد "فولگنسیو باتیستا"، سیاستمدار کهنه‌کار و راستگرا کوبایی گروهی از انقلابیون این کشور در روز ۲۶ جولای حمله‌ای مسلحانه به پایگاه نظامی "مونکادا" واقع در شهر "سانتیاگو د کوبا" در جنوب کوبا شرکت کردند. با ایستا در سال ۱۹۰۱ در یکی از خانواده‌های قشرهای پائینی طبقه متوسط به دنیا آمده بود. او در جوانی به ارتش کوبا پیوسته و موفق شده بود که به سرعت پله‌های ترقی را درنوردد. باتیستا در ارتش در زمره مخالفان دیکتاتور کوبا، "ژراردو ماچادو" درآمده و سرانجام با شرکت در کودتایی موفق در ساقط کردن رژیم ماچادو شرکت فعال کرده و در زمره قدرتمندان کوبا درآمده بود.



بایستا در سال ۴۰ با حمایت بسیاری از احزاب کوبا (از جمله حزب کمونیست این کشور) در انتخاباتی نسبتاً آزاد شرکت کرده و به مقام ریاست جمهوری کوبا برگزیده شده بود. سال بعد کوبا تحت اثر فشار ایالات متحده آمریکا وارد جنگ جهانی دوم شد. با گذشت زمان از سوئی بایستا هر چا بیشتر به قدرتمندان ایالات متحده آمریکا نزدیکتر شده و از سوئی دیگر فساد مالی و اداری در کوبا گسترش بیشتری می‌یافت. این دو امر از جمله عواملی بودند که از محبوبیت بسیار و ابتدایی بایستا کاسته و سرانجام در سال ۱۹۴۴ سقوط رژیم او را اجتناب ناپذیر کردند. پس از سقوط بایستا به ایالات متحده آمریکا کوچ کرده و تا سال ۱۹۵۱ در این کشور به سر برده بود. در این زمان او که تصور می‌کرد هنوز از محبوبیت بسیاری در میان توده‌های کوبایی برخوردار است، به کوبا برگشت تا در انتخابات بعدی ریاست جمهوری این کشور شرکت کند. محاسبات او اما نادرست بودند و او در انتخابات شکست خورد اما همانگونه که قبلاً اشاره شد در سال بعد پس از رهبری کودتایی در روز ۱۰ مارس بار دیگر به قدرت رسیده و سرچشمه رشد روزافزون ناعدالتیها گردید.



هدف حمله به "مونکادا" بیش از هر چیز سیاسی بود. طراحان و شرکت‌کنندگان در حمله از جمله فیدل و رائول کاسترو خواهان آن بودند که به اینگونه جنبش توده‌ای‌ای را که در سالهای پس از پایان جنگ جهانی دوم در کوبا بر علیه بهره‌کشی روزافزون سرمایه داران، اختناق سیاسی، فساد مالی و نابسامانیهای اجتماعی به وجود آمده و رشد کرده بود به سوی مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم کوبا بکشند. حمله اما با شکست نظامی مواجه شده و بخش بزرگی از شرکت‌کنندگان در حمله از جمله فیدل کاسترو دستگیر شده و به زندان انداخته شدند اما این شکست به هیچوجه اعلام‌گر پایان جنبش انقلابی کوبا نبوده و در واقع تنها نقطه آغاز آن بود. فیدل که مدتی را در ایالات متحده آمریکا به تحصیل حقوق قضایی پرداخته بود در بیدادگاه فرمایشی باتیستا دفاعی جانانه از خود و یارانش گرفته و با وجود سانسور شدید حاکم، پس از چند روز متن دفاعیه او تحت عنوان "تاریخ من را تبریئه خواهد کرد" در گوشه و کنار کوبا دست به دست می‌گشت.



**۱۹۵۶:** پس از طی دو سال در زندان، باتیستا با عفو و تبعید فیدل کاسترو موافقت کرد. فیدل را از زندان مستقیماً به فرودگاه برده و او را به مکزیک فرستادند. اما فیدل از همان آغاز دوران تبعید در اندیشه بازگشت به کوبا و از سرگیری مجدد مبارزه رویارو بوده و برای نیل به این هدف از هیچ کوششی فروگذار نمی‌نمود.

فیدل در دوران اقامتش در کوبا زمان بسیاری را برای جمع کردن گروهی از کوبائیه‌های خارج از کشوری که همچون او خواهان بازگشت به کوبا و شرکت در مبارزه مسلحانه بودند طی کرد. سپس زمانی را برای کسب حمایت سیاسی و مالی از جنبشی که می‌رفت برپا شود گذرانده و سپس بر آن شد که به همراه گروه نوپا و کوچک خود به بدن سازی و کسب آمادگی فیزیکی برای شروع مبارزه



رویارو بپردازد. فیدل و یارانش (از جمله پزشک آرژانتینی ارنستو چه‌گوارا) توانستند در اواخر سال ۱۹۵۶ با بخشی از پولی که یر این مدت جمع‌آوری کرده بودند (۱۵۰۰۰ دلار آمریکایی) قایق بزرگی به نام "گران‌ما" (مادر بزرگ) را خریداری کرده و سرانجام در ۲۵ نوامبر به سوی کوبا به راه بیفتند.

گران‌ما که برای حمل ۱۲ نفر ساخته شده بود، در این سفر حامل ۸۲ انقلابی کوبایی بود! سفر اما آنگونه نشد که فیدل و یارانش تصور آن را می‌کردند. از سویی شرایط سفر بسیار دشوار بوده و برنامه‌ریزی سفر و ورود به کوبا نقصهای بسیار داشته و از سویی دیگر ارتش باتیستا که از آمدن انقلابیون باخبر شده بود، در انتظار آنان بود. روز ۲ دسامبر پس از یک هفته سفری پرمخاطره و پس از طی ۷۲ ساعت مبارزه با از سویی امواج و از سویی دیگر نیروهای ارتش کوبا، فیدل و یارانش در زمانی غیر از آنچه نقشه اش را کشیده بودند و در مکانی دور از مکانی که قرارش را گذاشته بودند "گران‌ما" در ساحلی در جنوب غربی کوبا کنار گرفته و انقلابیونی که توانسته بودند از تمامی مخاطرات جان سالم به در ببرند به کوه "سیورا ماسترا" پناه ببرند و در آنجا خود را مخفی سازند. از



اینجا بود که مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم باتیستا آغاز شده و در مسیر زمان گسترش یافته و پس از کسب حمایت توده‌ها و جذب آنان به مبارزه توانست ظفرنمون گردد.

**۱۹۵۹:** روزهای پایانی سال ۱۹۵۸

روزهایی سرشار از هیجان و انتظار بودند. آنچه دو سال پیش کاملاً غیرممکن به شمار می‌آمد در شرف انجام بود. جنبشی که چریک‌هایی معدود پایه‌گذار آن بوده و با استفاده از

امکاناتی بسیار محدود در خلال کمی بیش از دو سال از حمایتی توده‌ای برخوردار شده و در راه بود تا رژیم باتیستا را که از حمایت بیدریغ ایالات متحده آمریکا و مستشاران آن برخوردار بود سرنگون سازد. در این مدت نیروهای پارتیزانی کوبایی گام به گام به هاوانا نزدیکتر شده و سرانجام در آخرین روز سال ۱۹۵۸ وارد این شهر شدند. همزمان باتیستا که دریافته بود به هیچ‌وجه نخواهد توانست سد راه

موجی که در راه بود

بشود، فرار را بر قرار ترجیح داده و در روز پایانی سال ۱۹۵۸ کوبا را ترک کرده و به ایالات متحده آمریکا فراری و پناهنده شد.



پارتیزان‌های کوبا در خلال دوره‌ای که مبارزه مسلحانه گام به گام

توده‌ای می‌شد از حمایت روزافز و ن تهیدستان، کارگران شهرها، دهقانان بی بضاعت روستاها، دانشجویان و جنبش عدالت اجتماعی برخوردار شده بودند و حال زمان آن رسیده بود که گام‌هایی در

راه عملی کردن وعده ها و اهداف آن برداشته شود . سال ۱۹۵۹ سال گام برداشتن در این راه بود . انقلاب کوبا هنوز مسیر ایدئولوژیک مشخصی نداشت اما برخی از اهداف مشخص بودند . ارنستو چه گوآرا در نخستین گامها عهده دار وظیفه بسیار مهم مبارزه با فساد اداری و مالی (رشوه‌خواری) شد. قیمت کالاهای مصرفی کاهش داده شده و نخستین گامها در راه نیل توده‌های محروم جامعه به رفاه اجتماعی برداشته شد.

**۱۹۶۱:** برنامه اصلاحات اجتماعی قدرتمندان تازه کوبا مورد پسند ایالات متحده آمریکا نبود . از سویی

سرمایه‌های آمریکایی و سوددهی آنان با خطری جدی مواجه شده بود و از سویی دیگر ایالات متحده آمریکا نمی خواست دستیابی به قدرت را در مورد جریانی که از عدالت اجتماعی و رفاه برای همگان سخن می گفت در آمریکای لاتین که آنرا جزو منطقه قدرت خود می خواند قبول نماید . جان اف کندی، رئیس جمهور تازه به قدرت رسیده و دیگر صاحبان سرمایه و قدرت در واشنگتن نمی توانستند



و نمی خواستند وجود کشوری را که گام در راهی تازه گذاشته و می توانست در این راه به پیروزی دست یافته و بدینگونه تبدیل به الگویی برای دیگران گردد قبول کند . تحریم همهجانبه کوبا که روز ۱۳ اکتبر ۱۹۶۰، چند ماه پیش از به قدرت رسیدن کندی آغاز شده بود، شتابی بالاتر گرفت . سیاستمداران ایالات متحده آمریکا می خواستند با استفاده از همان حربه‌ای که ۱۵۰ سال پیش از آن ناپلئون با هدف به زانو درآوردن بریتانیای کبیر به خدمت گرفته بود، کوبا را به زانو درآورند . بایکوت همهجانبه و بریدن شاهرگهای اقتصادی کوبا نخستین سلاحی بود که به کار گرفته شد . اما کندی و کوبائیهای فراری از انقلاب که در فلوریدا مستقر شده بودند نمی خواستند که صبر کنند و از این رو طرح یورش به کوبا (به همان شکلی که در سال ۱۹۵۶ فیدل و یارانش خود را به کوبا رسانده بودند ریخته شد . طرح‌ریزان این حمله در سی‌ای‌ای و به اجراگذاران کوبایی تصور می کردند که از حمایت توده‌های ناراضی برخوردار شده و کوبا را "آزاد" خواهند کرد . اما واقعیت چیز دیگری شد . حمله به خلیج خوک ها یکی از ناموفق‌ترین طرح‌های سی‌ای‌ای در تمامی تاریخ آن شد ! سال ۱۹۶۱ سال درگیری شدید ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در مورد خواست شوروی برای تجهیز پایگاهی موشکی دارای توانایی اتمی بود . در خلال ۱۳ روز این بحران جهان در لبه آغاز جنگ جهانی سوم قرار گرفته بود . زورآزمایی دو ابرقدرت بخشی از جنگ سردی بود که در خلال ۱۵ سال با شدت تمام در جریان بود . فشارهای ایالات متحده آمریکا و عدم امنیتی که برای کوبا به وجود آمده بود کوبا را هر چه بیشتر به نزدیکی به اتحاد جماهیر شوروی و اقرار آن سوق می داد . در نیمه نخست دهه ۱۹۶۰ بخش بزرگی از نیروهای مترقی و انقلابی جهان به محکوم کردن شیوه‌های اتخاذی ایالات متحده آمریکا و دفاع از کوبا پرداختند .

**۱۹۶۷:** روز ۸ آگوست (۱۷ مرداد ۱۳۴۶) خبری از اعماق جنگله ای بولیوی توده های کوبایی و در



پی آن توده های آگاه جهان را به حیرت فرو برده و اشک از چشمان آنان جاری نمود :  
"ارنستو چه گوارا"، یکی از رهبران و سمبل های انقلاب کوبا پس از مقاومتی شدید در مقابل یورش های که از جانب سی آی ای برنامه ریزی شده و توسط ارتش بولیوی به اجرا در آمده بود، دستگیر شده و به قتل رسیده بود. چه گوارا که در پنج سال نخست پس از انقلاب کوبا در سمت های گوناگون نقش مهمی را در به اجرا در آوردن سیاست های داخلی و خارجی کوبا اجرا کرده بود و در این میان با بسیاری از چهره های مهم سیاسی آن روزها

ملاقات و تبادل نظر و تجربه کرده بود، در سال ۱۹۶۵ با مردم کوبا و فیدل وداع گفته و برای حمایت مستقیم از انقلاب در گوشه و کنار جهان و برای به انجام رساندن وظایف انترناسیونالیستی خود و شرکت فعال در مبارزات آزادیبخش در ابتدا به کنگو و سپس به بولیوی رفته بود.

**۱۹۷۰:** در اثر انزوای اقتصادی و سیاسی ایالات متحده آمریکا کوبا در خلال دهه ۶۰ از سوی زمهر هدایت کنندگان جنبش کشورهای غیرمتعهد قرار گرفته (به همراه هندوستان، یوگسلاوی و تانزانیا) و از سوی دیگر به

سوی انعقاد پیمان هایی با کشورهای اردوگاه به اصطلاح سوسیالیستی و در راس آن اتحاد جماهیر شوروی کشیده شد. از نظر تولیدی در دهه ۱۹۶۰ کوبا گام های مهمی برداشت. از سوی کلیه شرکتهای خارجی در کوبا ملی شدند و از سوی دیگر بخش عمده زمین نیز، که پیش از این در تملک زمین داران بزرگ بود ملی گردید. در نیمه دوم این دهه کوبا هر چه بیشتر بر بهتر کردن برآورد تولید نیشکر و



صادرات آن کمر بست. این عمل اثرات خوب و بد خود را به همراه داشت. از سوی تولید و برداشت نیشکر به اندازه کم سابقه ای بالا رفته و درآمد صادراتی کوبا را به شدت بالا برد. از سوی دیگر کوبا

هر چه بیشتر در راه تبدیل به کشوری تک محصولی بود، کشوری که وابستگی بیش از اندازه به خریدار نیشکر تولیدی که بهایی بالاتر از بهای نیشکر در بازار آزاد این محصول پیدا می کرد، بود. اتحاد جماهیر شوروی نه تنها پول بسیار خوبی برای نیشکر کوبا می پرداخت، که وامهای مالی بسیاری با شرایطی بسیار خوب در اختیار این کشور می گذاشت. در سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰ هدف تولید سالانه نیشکر ۱۰ میلیون تن تعیین گردید اما کوبا هرگز نتوانست به عمل درآوردن این هدف نایل آید و تولید حدود ۱۵ درصد کمتر از این میزان شد. این شکست منجر با آن شد که توده های کوبایی پروسه تصمیمگیری در زمینه تولید نیشکر را به زیر سؤال برده و بدینگونه بحث خلاق در جامعه در مورد بسط دموکراسی در کشور در گرفت. در سال ۱۹۷۲ کوبا به عضویت پیمان اقتصادی "بلوک شوق" درآمده و بدینگونه به همکاریهای خود با کشورهای این بلوک عمق بیشتری داد.

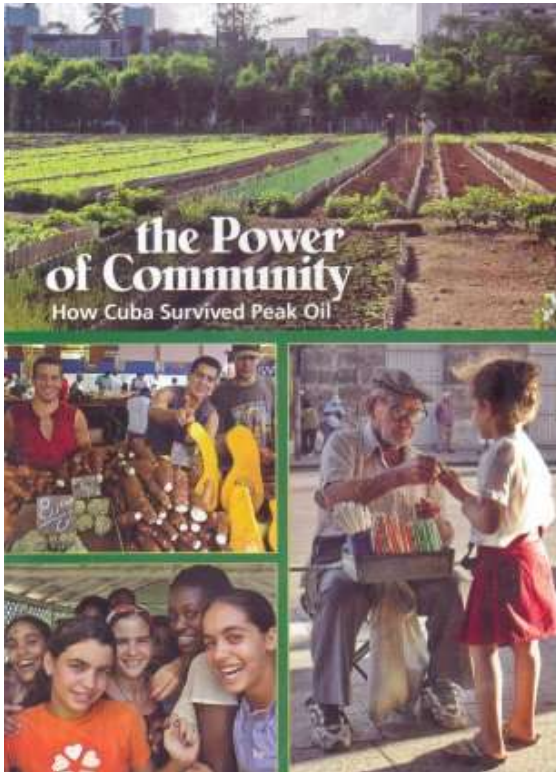
**۱۹۷۶:** در این سال قانون اساسی تازه کوبا که فیاورد بحثهای توده های مردم در این سالها بود پس از یک همه پرسی عمومی به تصویب رسید. به موجب مواد این قانون اساسی در تمامی انتخابات کوبا کاندیداتوری فردی و شخصی می باشند. در انتخابات توده ها نه به یک حزب و لیست انتخاباتی حزبی، که به فردی که تحت نام خود کاندید شده و به طور شخصی ضامن پایبند بودن به تعهدات و وعده های خود می باشد رای می دهند. البته نیروها، جریانات و سازمانهای گوناگون سندیکایی، سیاسی و اجتماعی اجازه و امکان دارند که حمایت احتمالی خود را از این و یا آن کاندیدا اعلام نمایند.

**۱۹۸۵:** سالهای بین ۱۹۷۵ و ۱۹۸۵ در تاریخ کوبا با افزایش نقش و قدرت دولت در هدایت و اداره تولید و کشور مشخص می شوند. شاخصه مهم دیگر در حیات تولیدی این سالهای کوبا، تاکید بسیار بر رشد صنعت در این کشور و قدم برداشتن در این راه می باشد. رشد تولید صنعتی داخلی و افزایش مبادلات تجاری با اتحاد جماهیر شوروی این امان را به کوبا داد تا قلهایی در راه بالا بردن سطح رفاه اجتماعی بردارد.



**۱۹۸۸:** در سال ۱۹۷۶، مدت کوتاهی پس از اعلام استقلال آنگولا (پس از سالها اسارت در یوغ استعمار پرتغال) و قدرت گیری جریانی نسبتاً مترقی در این کشور، این کشور نو به پا خواسته در جنوب غربی آفریقا مورد حمله رژیم به غایت دست راستی، نژادپرستانه و آپارتایدی آفریقای جنوبی قرار گرفت. یکی از تنها کشورهایایی که به درخواست کمک دولت آنگولا از نیروهای مترقی و انقلابی جهان پاسخ مثبت داد کوبا بود. مبارزه با آفریقای جنوبی و جریانات وابسته به آن که از حمایت مالی و تجهیزاتی ایالات متحده آمریکا برخوردار بودند، ۱۲ سال ادامه داشت و در سال ۱۹۸۸ با پیروزی آنگولا به پایان رسید.

**۱۹۹۰:** در پی سرمایه گذاری شدید اقتصادی، سیاسی و نظامی ایالات متحده آمریکا بر طرحی که رئیس جمهور این کشور رونالد ریگان برای پیروزی نهایی در جنگ سرد و در پی شکستهایی چند در زمینه های سیاسی، نظامی، تولیدی و اقتصادی در اتحاد جماهیر شوروی، گسترش میزان نارضایتی عمومی در جامعه و اجرای "گلاسنوست" و "پروسترویکا" در این کشور، پایه های بلوک شرق و در راس آن اتحاد جماهیر شوروی به لرزه افتاده و



سرانجام فرو ریخت. این فروپاشی عواقب بسیار دشواری را برای کوبا نیز به همراه داشت. وابستگی بیش از حد کوبا به اتحاد جماهیر شوروی کار را به آنجا رسانده بود که بیش از ۸۰ درصد از تجارت کوبا با این کشور بود و بدینگونه پس از مشکلات بسیاری که سرانجام به نابودی اتحاد جماهیر شوروی منجر گردیدند، زیربنای اقتصادی کوبا به لرزش درآمد. همزمان ایالات متحده آمریکا فشار بر کوبا را شدیدتر از سابق کرد. هدف بدون شک آن بود که با استفاده از تمامی امکانات موجود کوبا را در هم ریزند. با بوق و کرنا در همه جا اعلام شد که مدت زیادی از عمر رژیم مسلط بر کوبا باقی نمانده و بزودی می توان آنرا نیز به گورستان تاریخ سپرد. پایین رفتن صادرات نیشکو به کاهش شدید واردات سوخت منجر شده و این کاهش به پایین رفتن تولید نیشکر، تا حدود ۵۰ درصد، انجامید. توده های کوبایی

اما چنین خواستی نداشتند و طرح اقتصادی دولت که برای مقابله با شرایط تازه ارائه شده و فشار شدیدی را به توده های کوبایی وارد می آورد به اجرا گذاشته شده و با موفقیت روبرو شد. تا سر حد امکان خودکفا شدن در واحدهای تولیدی هدف دوران بحرانی آن روزها اعلام گردید.

**۱۹۹۳:** شرایط اقتصادی زندگی

کوبانیها در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ بسیار دشوار بود و رسانه های دنیای سرمایه داری هر روز خبر از وقوع انفجاری اجتماعی داده و می گفتند که عمر رژیم کاسترو همین امروز و فردا به پایان خواهد رسید. در کوبا اما توده ها که متوجه شده بودند اگر رژیم کنونی در هم بریزد تمامی دستاوردهای مثبت انقلاب نیز در هم ریخته و از بین خواهند رفت، در مقابل سختی ها مقاومت کردند.



در زمینه سیاسی گام بزرگ دیگری در راه گسترش دموکراسی در کشور برداشته شده و قانونی به تصویب درآمد که به موجب آن انتخابات به مجلس ملی کوبا نیز، همانند انتخابات به شوراهای محلی و شهری مستقیم شدند.



**۱۹۹۸:** از سال ۱۹۹۳ کوبا برای رشد اقتصاد خود و کسب امکاناتی بیشتر در دو راستا اقدام کرد. اقدام اول که تنها پیاوردهای مثبت داشته تلاش برای بالا بردن تجارت با دیگر کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای چین بود. در این راستا از سالهای پایانی دهه ۱۹۹۰ کوبا برای برقراری تجارتهای غیرمتداولی چون سوخت در مقابل بهداشت و دارو نیز تلاش کرده و موفق بوده است. اقدام دوم تلاش برای گسترش توریسم با کوبا بوده است. بالا رفتن تعداد توریستها همزمان با آوردن ارز مورد نیاز کشور مشکلات اقتصادی و اجتماعی تازه ای برای کشور به بار می آورد. رواج دو نوع "پزو" (واحد پول کوبا)، رواج دوباره شرکتهای خصوصی و امکان مالکیت خصوصی بر لوازم تولیدی و ظهور دوباره برخی از زایدات ناسالم جوامع (مانند روسپیگری) هر چند در ابعادی کوچک نمونه‌هایی از این قبیل مشکلات می‌باشند.

**۲۰۰۲:** چند ماه پس از ماجرای ۱۱ سپتامبر و در پی آن حمله نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا به افغانستان، جرج دبلیو بوش رئیس‌جمهور این کشور بار دیگر لبه تیز حملات تبلیغاتی و سیاسی به کوبا



را از سر می‌گیرد. بار دیگر بودجه کلانی به شکل رسمی به تلاش برای ساقط کردن دولتی در کشوری بیگانه اختصاص داده می‌شود. ایالات متحده آمریکا که در مورد رشد نیروهای چپ در آمریکای لاتین و نزدیکی و همدردی این جریانات با کوبا بسیار حساس است از امکانات خود بهره می‌جوید تا مگر پایه‌های حکومت کوبا را در هم بریزد. اما مردم کوبا این بار نیز بیدارند! اعتراضات وسیعی با شرکت بیش از ۹ میلیون نفر در ۸۰۰ محل در روز

۱۲ جون نمونه‌ای از این خیزشهای مردمی است. در خلال روزهای ۱۵ تا ۱۸ جون، ۹۹ درصد از مردم کوبا در یک همه‌پرسی عمومی به قانون اساسی این کشور و با وفاداری به سوسیالیسم در این کشور رای مثبت داده و اقدامات ایالات متحده آمریکا را محکوم کردند.



۲۰۰۷: در ماه جون مقررات مربوط به حداکثر زمان محرمانه بودن اسناد در ایالات متحده آمریکا سازمان جاسوسی و ضدجاسوسی سی‌ای‌ای را ناچار ساخت تا صدها سند را که به "جوهرات خانوادگی" موسوم هستند علنی نماید. به موجب این مدارک سازمان جاسوسی ایالات متحده آمریکا در خلال ۵۰ سال اخیر بارها و حتی در همکاری با مافیا تلاش کرده است فیدل کاسترو را به قتل برساند. گفته می‌شود که در این مدت بین ۶۳۸ تا ۷۳۴ بار نقشه قتل کاسترو کشیده شده است. این نقشه‌ها با استفاده از سناریوهای گوناگون طرح شده و تا اندازه‌های مختلف به اجرا درآمده‌اند.

۲۰۰۸: در خلال ۱۰ سال اخیر رویدادهای مثبت در آمریکای لاتین و رشد تجارت نوپای کوبا شرایط نوینی را در این کشور به بار آورده است. کالاهای الکترونیکی بسیاری به بازارهای کوبا راه یافته و به خانه‌ها و زندگی روزمره کوبایی‌ها راه باز کرده‌اند. فیدل کاسترو که به دلیل بیماری از روز ۳۱ جولای ۲۰۰۶ وظایف خود را به رائول کاسترو، برادر و هم‌رزمش در دوران انقلاب کوبا و معاون رئیس‌جمهور محول کرده بود، در روز ۱۹ فوریه اعلام کرد که نمی‌خواهد او را کاندید ریاست‌جمهوری کنند. در انتخابات رائول کاسترو به ریاست‌جمهوری انتخاب شد. "کارلوس لاگه" و "فلپ پرز روکه" که هم‌اکنون به ترتیب معاون رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه کوبا هستند از نسل دومی هستند که بزودی قدرت را در کشور به عهده خواهند گرفت.



نادر ثانی؛

چهارشنبه ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸؛ ۱۱ دی‌ماه ۱۳۸۷

[nader.sani@gmail.com](mailto:nader.sani@gmail.com)